

## اصالت و اعتبارسنجی کتاب جعفر بن محمد بن شریح الحضرمی

مرتضی اسکندری (دانش‌پژوه سطح سه حوزه علمیه قم)

velamoheb@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸)

### چکیده:

جعفر بن محمد بن شریح حضرمی از روایان امامی مذهب بوده که در حدود قرن دوم در عراق می‌زیسته است. از اساتید او می‌توان به ذریح المحاربی، حمید بن شعیب سبعی و عبدالله بن طلحة النهدی اشاره کرد. کتاب جعفر حضرمی، از معدود اصول باقیمانده از قرون اولیه بوده که اولین بار در حدود سده دوازده قمری در آثار شیخ حرّ عاملی و علامه مجلسی رحمتهما منعکس شده است. در بین عالمان متقدم رجالی، تنها شیخ طوسی رحمته، جعفر حضرمی را در کتاب الفهرست معرفی و کتاب را به ایشان نسبت داده است و منبع این انتساب، کتاب فهرست حمید بن زیاد کوفی است. نگارنده با استفاده از روش‌های فهرستی، رجالی، جمع‌آوری قرائن و بررسی احتمالات و شواهد، ثابت کرده که کتاب مذکور تألیف حمید بن شعیب سبعی است و انتساب به جعفر حضرمی اشتباه بوده است. همچنین انتساب اشتباه کتاب توسط شیخ طوسی به جعفر حضرمی، ناشی از اشتباه هارون بن موسی تلّعبکری در تشخیص نسخه کتاب و مؤلف حقیقی آن است. کلیدواژه‌ها: اصول اربعمائة، اصول نخستین، اصل جعفر بن محمد بن شریح، تحلیل فهرستی، نجاشی و شیخ طوسی.

### ۱- مقدمه

حدیث، بی‌شک مهمترین منبع استنباط معارف دینی بعد از قرآن مجید است. با توجه به محدود بودن آیات الأحکام و اعتقاد مذهب امامیه مبنی بر اینکه حدیث، مفسّر و مبین قرآن کریم است، اهمیت حدیث دوچندان می‌شود. از طرفی لزوم ارزیابی احادیث، امری ناگزیر



است. برای اعتبارسنجی احادیث از قدیم تا بحال مبانی و آراء مختلفی میان عالمان شیعه مطرح بوده است. به طور کلی می‌توان مبانی اعتبارسنجی احادیث را به دوروش، وثوق صدوری و وثوق سندی تقسیم کرد. در نگاه وثوق صدوری، یکی از قرائنی که کمک شایانی به اعتبارسنجی حدیث می‌کند، تحلیل فهرستی احادیث است. روش تحلیل فهرستی، احادیث را از زاویه حجیت کتب و منابع بررسی می‌کند. در روش فهرستی، هیچ ملاکی به عنوان معیار قطعی بر حجیت حدیث مورد قبول قرار نمی‌گیرد و قاعده اولیه عدم حجیت خبر واحد است.<sup>۱</sup> لازمه مبنای مذکور این است که، همه قرائن تا به مرحله وثوق و اطمینان نرسند، نمی‌توان حجیت حدیث را قبول کرد و در نتیجه حدیث غیر معتبر خواهد شد.

هدف نگارنده این سطور، نشان دادن کاربردی و تطبیقی تحلیل فهرستی در احادیث بر روی کتاب جعفر بن محمد بن شریح حضرمی است. این کتاب اولین بار در زمان صفویه و عصر زندگانی محمدباقر مجلسی به طریق وجاده<sup>۲</sup> پیدا شده است و در کتاب بحار الأنوار منعکس شده است.

علامه مجلسی در مقدمه بحار الأنوار کیفیت دستیابی به این نسخه را تشریح می‌کند. این کتاب، نسخه تصحیح شده قدیمی به خط شیخ منصور بن الحسن آبی بود که او از خط شیخ محمد بن الحسن قمی نقل می‌کند و تاریخ نسخه ۳۷۴ق است. و محمد بن الحسن قمی از خط شیخ جلیل القدر هارون بن موسی تلعبیری نقل می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳). علامه مجلسی به این کتاب اعتماد کرده است، با اینکه خودش تصریح می‌کند که عالمان رجالی به خاطر وجاده‌ای بودن نسخه اعتماد به این کتاب نکرده‌اند، اما ایشان این کتاب را از جمله منابع معتبر کتاب بحار الأنوار معرفی می‌کند. (همان)

۱. قائلین به مسلک فهرستی، اصل را بر عدم حجیت خبر می‌دانند و حجیت را دایره مدار اطمینان و وثوق عقلانی به وسیله تجمیع قرائن را قبول دارند. بنابر این مسلک همه چیز از جمله، طرق مفهرس به صاحب کتاب و قبول کتاب نزد اصحاب امامیه و شواهد نسخه‌شناسی و شهرت کتاب و انعکاس آنها در مصادر اولیه و مطابقت با فتوا و مطابقت با عموم آیات و غیره باید بررسی شود، تا اطمینان عقلانی حاصل شود.

۲. وجاده یکی از طرق تحمّل حدیث است و حجیتی بر آن مترتب نمی‌شود. وجاده به نسخه‌ای گفته می‌شود که صاحب نسخه طریق از مشایخ به کتاب نداشته باشد.

## ۲- طرح مسأله

جعفر بن محمد بن شریح الحضرمی از راویان امامی مذهب است و هیچ اطلاعی درباره زندگی ایشان در دست نیست. با توجه به اینکه استاد عمده و اصلی جعفر حضرمی، حمید بن شعیب سبیبی همدانی از صحابه امام صادق علیه السلام است (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ۱۳۲)، می‌توان حدس زد که به احتمال زیاد ایشان معاصر امام کاظم علیه السلام باشد.

تنها گزارشی که در کتب رجال و فهارس در مورد جعفر بن محمد بن شریح آمده است، کلام شیخ طوسی در کتاب فهرست می‌باشد. (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۱۱)

روایات کتاب جعفر بن محمد بن شریح اولین بار در کتاب‌های اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات شیخ حرّ عاملی و بحار الأنوار محمدباقر مجلسی ذکر شده است (حرّ عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۵۲/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۴۴/۱).

عاملی در مقدمه اثبات الهداة اسم کتاب جعفر حضرمی را ذکر می‌کند ولی تنها به ذکر دو روایت از این کتاب اکتفاء می‌کند (حرّ عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۱۴/۳، ح ۱۰۱۶؛ همان: ۲۱۸/۵، ح ۸۰۴). علت این کار دقیقاً معلوم نیست. احتمال دارد همین دو حدیث را مناسب با موضوع کتابش تشخیص داده است. اما مجلسی ۱۲۳ روایت از کتاب جعفر حضرمی به صورت پراکنده نقل می‌کند. (برای نمونه ن. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۳۵/۵۸، ۱۹۶، ۱۸۶؛ همان: ۹۴/۲، ۱۳۹، ۱۹۱، ۲۳۷؛ همان: ۲۲۲/۵۷، ۲۳۲؛ همان: ۱۳۵/۵۸، ۱۹۶، ۱۸۶؛ همان: ۳/۶۲، ۱۳۹، ۳۲۸/۷۷، ۳۷۵؛ همان: ۴۱/۷۸، ۱۲۹، ۱۷۶ و ۲۵۶). احتمال دارد همین امر باعث شده که بعضی از محققان، مجلسی را اولین کسی بدانند که نسخه کتاب را به جامعه شیعی عرضه کرده است. (محمودی، ۱۴۲۳ ق: ۱۹ و نوری، ۱۴۰۸ ق: ۷۵/۱).

بعد از مجلسی، محدث نوری روایات مربوط به احکام شرعی کتاب جعفر حضرمی را به صورت پراکنده در مستدرک الوسائل ذکر کرد. (برای نمونه ن. ک: نوری، ۱۴۰۸ ق: رقم حدیث ۷۱، ۸۱، ۹۴، ۱۰۶، ۱۶۲، ۱۷۵، ۲۳۱، ۶۶۵، ۱۰۶۸، ۱۱۸۴، ۲۱۵۶، ۲۲۱۲، ۲۵۳۱، ۲۸۹۶، ۳۱۷۷، ۳۲۶۳، ۳۶۵۵، ۳۹۹۱، ۴۳۲۶، ۴۳۳۵، ۴۳۴۹، ۴۳۵۸ و ۵۰۵۰).

روش‌های مختلفی برای اعتبارسنجی احادیث وجود دارد و طبق هر کدام از آنها نتیجه فرق خواهد کرد. نوشته حاضر درصدد اعتبارسنجی کتاب محور (بررسی فهرستی یا بررسی روایات

بر پایه حجیت کتاب) است. نگارنده این سطور چند غرض را پی‌گیری می‌کند، در مرحله اول سعی بر این دارد با روش تحلیلی - توصیفی قرائن صحت کتاب را جمع‌آوری کند و در مرحله دوم با استفاده از روش‌های تحلیل متنی و مضمونی و تحلیل اسناد (تحلیل رجالی) احادیث کتاب جعفرِ حُضْرَمِی را اعتبارسنجی کند.

### ۳- پیشینه بحث

محمدرضا جدیدی‌نژاد در مقاله خود با عنوان «بازخوانی نسبت برخی کتاب‌ها به بعضی از مؤلفان». احتمال اینکه جعفر حُضْرَمِی تنها راوی کتاب جابر باشد را ذکر کرده است ولی ادله‌ای بر مدعای خود ذکر نکرده و همچنین هیچ‌کاری در اعتبارسنجی، اصالت‌سنجی، مصدرشناسی و شناخت اساتید و شاگردان جعفر حُضْرَمِی انجام نداده است (آینه پژوهش، فروردین ۱۳۹۰، شماره ۱۲۷).

غرض نگارنده در این سطور، واکاوی قرائن اصالت کتاب بوده و با استفاده از روش‌های متعدد کتابشناسی و مصدریابی (توصیفی - تحلیلی) و تحلیل‌های رجالی، درصدد کشف مؤلف حقیقی و جایگاه کتاب نزد اصحاب امامیه و میزان اعتبار گزاره‌های حدیثی است.

### ۴- بررسی اصالت کتاب

در نسخه‌ای که به دست علامه مجلسی رسیده، کتاب را به جعفر حُضْرَمِی استناد داده است. داده‌های کتابشناسی (فهارس) و راوی‌شناسی (رجال) در تعیین مؤلف واقعی کتاب و احوال مؤلف، مختلف است.

#### ۴-۱ دیدگاه رجالیون در مورد جعفر بن محمد بن شریح و کتاب او

در میان عالمان رجالی مطالب مختلفی در مورد جعفر بن محمد بن شریح حُضْرَمِی گفته شده است که تقریباً همه ناظر به کتاب اوست و در مورد شخصیت او از حیث وثاقت و عدم وثاقت، مطالبی ذکر نشده است.

#### ۴-۱-۱ نظر متقدمین

از فهرست نگاران متقدم، شیخ طوسی در مورد ایشان می‌گوید:

«جعفر بن محمد بن شریح دارای کتاب است و من نقل می‌کنم با اسناد اول از ابن همّام از

حمید از احمد بن زید بن جعفر الأزدی البزاز از محمد بن أمیة بن القاسم الحضرمی از جعفر بن محمد بن شریح» (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۱۱).

به خلاف شیخ طوسی، نجاشی عنوان مستقلی باز نکرده است و بنابراین فهمیده می‌شود که نجاشی جعفر بن محمد بن شریح را صاحب کتاب نمی‌دانسته است. اما با جستجو در متن رجال نجاشی درمی‌یابیم که اسم جعفر حضرمی، از جمله راویان کتاب حمید بن شعیب سیعی الهمدانی ذکر شده است. نجاشی می‌گوید: «برای سیعی کتابی است که جعفر بن محمد بن شریح از جابر نقل کرده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۳۳) برقی و ابن شهر آشوب هم در کتابشان هیچ اطلاعاتی ذکر نکرده‌اند و فقط کتاب را به جعفر استناد داده‌اند. (برقی، ۱۳۴۲ش: ۸۸ و ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق: ۳۱)

#### ۴-۱-۲ نظر متأخرین

استرآبادی، تفرشی، حسینی حلّی، قهپائی، اردبیلی و خوئی همان تعبیر شیخ طوسی را بدون هیچ دخل و تصرفی نقل کرده‌اند. (استرآبادی، ۱۴۲۲ق: ۳/۲۳۱؛ تفرشی، ۱۳۷۷ش: ۳۵۱/۳؛ حلّی، ۱۴۲۸ق: ۹۱؛ قهپائی، ۱۳۶۴ش: ۲/۴۰؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۱/۱۵۹؛ خوئی، ۱۴۱۳ق: ۵/۸۲ و بغدادی، ۱۴۲۶ق: ۱/۲۷۵)

مامقانی تعبیر «فحاله کسابقه» را در مورد جعفر بن محمد بن شریح به کار برده است. منظور ایشان از این تعبیر این است که همان چیزی‌هایی که در مورد راوی سابق گفته شد، در مورد جعفر حضرمی هم ثابت است. ایشان در مورد راوی سابق (جعفر بن محمد السنجاری) فرموده‌اند که ظاهر از عدم بیان فساد مذهب توسط شیخ طوسی و نجاشی، امامی بودن راوی است (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ۱۲/۱۶). محقق کتاب تنقیح المقال در حاشیه تذکر داده است: «کمترین چیزی که در مورد جعفر بن محمد بن شریح می‌توان گفت، حسن بودن است و علتش را روایت تلعبیری از او هر چند با واسطه، و صاحب اصل بودن او دانسته است».

به نظر می‌رسد مامقانی وثاقت جعفر حضرمی را نتیجه نگرفته است و صرفاً کسی که فسقش احراز نشده «ما لم یظهر فسقه» معرفی کرده است و این مقدار، در ثبوت وثاقت کافی نیست. (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ۱۲/۱۶)



نمازی شاهرودی کتاب را به جعفر بن محمد بن شریح نسبت داده و پدرش را از ثقات اصحاب امام صادق علیه السلام دانسته است (مقصود محمد بن شریح الحضرمی است که روایات بسیاری در تراث امامیه دارد) و گفته است: نسخه‌ای از کتاب نزد ایشان موجود است. (نمازی، ۱۴۱۴ق: ۲۰۲/۲)

به نظر می‌رسد منبع نمازی، مستدرک محدث نوری است. در مستدرک، پدر جعفر حضرمی را محمد بن شریح دانسته که از ثقات اصحاب امام صادق علیه السلام است. (نوری طبرسی، ۱۴۲۹ق: ۷۶/۱۹)

اینکه پدر جعفر بن محمد، محمد بن شریح الحضرمی باشد، امری بعید است؛ چون جعفر بن محمد در کتابش با دو واسطه از محمد بن شریح نقل می‌کند و بسیار بعید است کسی از پدرش با دو واسطه نقل کند. شاهد دیگر این است که تعبیر «أبیه» در اسناد کتاب وارد نشده است و عادتاً اگر شخص مذکور پدر جعفر حضرمی بود، باید حداکثر با یک واسطه نقل می‌کرد. در متون روایی هم موارد مشابه به وفور دیده می‌شود. (برای نمونه ن.ک: الکافی، ۱۴۰۷ق: ۱۱/۱، ح ۹ و ۱۰؛ همان: ۱۵۱ و ۴۴۷؛ وقعة الصفین، ۱۴۰۴ق: ۱۴۲ و المؤمن، ۱۴۰۴ق: ۳۴)

محقق شوشتری می‌گوید: عنوان نکردن شیخ طوسی در کتاب رجال، غریب است با اینکه موضوع کتاب عام است. (تستری، ۱۴۱۰ق: ۲/۶۷۵). ایشان اضافه می‌کند که نسخه‌ای از این کتاب را ضمن اصول چهارده گانه در کتابخانه محدث جزایری دیده است. احمدیان نجف آبادی در احوال رجال الأصول الستة عشر می‌گوید: جعفر بن محمد بن شریح، امامی مذهب ولی مجهول است (مهریزی، ۱۳۸۰ش: ۱۹/۵۲۷).

از مجموع نظریات عالمان رجالی نتیجه گرفته می‌شود به اینکه حداقل چیزی که در مورد جعفر حضرمی می‌توان گفت این است که ایشان حتماً امامی مذهب است، اما وثاقتش به دلیل عدم تصریح ثابت نیست.

##### ۵- مشایخ و شاگردان جعفر حضرمی

مشایخ جعفر حضرمی طبق آنچه در اسناد کتاب جعفر حضرمی آمده، به ترتیب زیر است:

## حمید بن شعیب السبّعی

ابن غضائری در مورد ایشان می‌گوید:

«یعرف حدیثه تارة، و ینکر آخری، و أكثره تخلیط ممّا یرویه عن جابرو أمره مظلم» (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۵۰). از این عبارت ابن غضائری، علامه مجلسی و صاحب حای الأوقال برداشت ضعف راوی کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۲۰ق: ۷۱؛ مامقانی، ۱۴۳۱ق: ۲۴/۳۳۴). مامقانی بر مجلسی ایراد گرفته که تضعیف حمید بن شعیب بسیار غریب است، چون احدی از علمای گذشته حمید بن شعیب را تضعیف نکرده‌اند (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ۲۴/۳۳۴).

استرآبادی می‌گوید: نقل عده‌ای از اصحاب از حمید بن شعیب بیانگر اعتماد بر اوست (استرآبادی، ۱۴۲۲ق: ۴/۴۲۰). برخی محققین معاصر کلام استرآبادی را تأیید کرده‌اند و دلیل وثاقت حمید بن شعیب را نقل حسن بن محمد بن سماعه از او دانسته‌اند. چرا که ابن سماعه از کسانی است که از غیرثقه نقل نمی‌کند (مظاهری، ۱۴۲۸ق: ۱۴۷). ثبوت صحّت حرف مذکور مبتنی بر ثبوت مبنایی است که ابن سماعه را از افراد «لایروون و لایرسلون إلا عن ثقة» می‌داند. (العدة فی الأصول، ۱۴۱۷ق: ۱/۳۵۰) و حال آنکه بعید است که حسن بن سماعه را از این افراد حساب کنیم، چون در بین کتاب‌های رجالی هیچ کس به این دلیل تمسک نکرده است و فقط آقای مظاهری این مطلب را اظهار نموده‌اند.

نتیجه: به نظر می‌رسد نمی‌توان وثاقت حمید بن شعیب را احراز کرد.

أسعر بن عمرو الجعفی

قیس بن الرّبیع

عبدالله بن السّری

مورد دوم، سوم و چهارم مجهول بوده و هیچ اطلاعی از آنها در دست نداریم.

عبدالله بن طلحة النّهدي

نجاشی از این راوی اسم برده و مدخل مستقلی برای او باز کرده است، اما توثیق نکرده است. نجاشی در مورد این راوی می‌گوید: «عربی کوفی روی عن ابی عبدالله علیه السلام». (نجاشی،

۱۳۶۵ش: ۲۲۴)

آیت الله مظاهری از عبارت نجاشی توثیق استظهار کرده است و می‌گوید: «ابن ولید

و دیگران عبدالله بن طلحه را توثیق کرده‌اند». (مظاهری، ۱۴۲۸ق: ۲۳۰)

حرف ایشان صحیح نیست، به خاطر اینکه در عبارت نجاشی هیچ اسمی از ابن ولید نیست، و مشخص نیست ایشان توثیق ابن ولید را از کجا فهمیده‌اند.

ابراهیم بن نعیم أبو الصَّبَّاح العبدی الکنانی

ایشان از ثقات و اصحاب جلیل القدر شیعه می‌باشند. کثی روایاتی از امام صادق علیه السلام در مدح ایشان نقل می‌کند (کثی، ۱۴۰۴ق: ۶۳۹/۲). نجاشی هم تصریح به وثاقت ابن راوی جلیل القدر دارد (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۹).

مُعلی الطحَّان

أبو سعید المدائنی

نمازی شاهرودی در مورد ایشان می‌گوید: «از اصحاب امام صادق علیه السلام است و روایاتی که از او نقل شده است دلالت بر حسن و صاحب کمالات بودن او می‌کند» (نمازی، ۱۴۱۴ق: ۳۹۵/۸). اما مامقانی می‌گوید که فقط یک روایت از او در کتاب کافی در باب صلاة التسبیح نقل شده است و از این روایت نه اسمش، نه وصفش و نه حکم کردن به وثاقت و عدم وثاقت استفاده می‌شود (مامقانی، بی تا: ۱۸/۳، باب الکنی).

عمَّار بن عاصم الصَّبَّی الکوفی

شیخ طوسی در الرجال ایشان را از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده است. بقیه عالمان رجالی همان حرف شیخ را تکرار کرده‌اند بدون هیچ توضیح بیشتر (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۲۵۲). شبستری می‌گوید: این راوی امامی مذهب است. (شبستری، ۱۴۱۸ق: ۴۳۴/۲)

عبدالعزیز بن عبدالجبار العبدی

ابراهیم بن جُبیر

ذریح المحاریبی

ایشان از ثقات اصحاب می‌باشند. (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۱۵۶/۸؛ مجلسی، ۱۴۲۰ق: ۲۲۹؛

عاملی، ۱۴۱۶ق: ۲۲۹/۳۰)

شاگردان جعفر حضرمتی که از او نقل می‌کنند دو نفر هستند:

محمد بن مثنیٰ الحضرمی



محمد بن امیة بن قاسم الحضرمی

ظاهراً این دو راوی یک نفر هستند. محدث نوری می‌گوید امیة تصحیف شده مثنی است. چون محمد بن امیة در هیچ مصدری نه حدیثی و نه رجالی وارد نشده است. (نوری، ۱۴۲۹ق: ۷۵/۱۹)

#### ۶- منبع‌شناسی کتاب جعفر حضرمی

منابعی که جعفر حضرمی روایات را از آنها اخذ کرده است به شرح زیر است:

#### ۶-۱- کتاب الفضائل، تألیف جابر بن یزید الجعفی

نجاشی در مورد این کتاب می‌گوید: «له کتاب الفضائل. أخبرنا أحمد بن محمد بن هارون عن أحمد بن محمد بن سعيد عن محمد بن أحمد بن الحسن القطواني عن عباد بن ثابت عن عمرو بن شمر عن جابر به».

نجاشی به این کتاب از طریق ابن عقده کوفی اجازه دارد (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۲۹). موضوع احادیث این کتاب، اسرار امامت و ولایت و فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام است. احادیث ماخوذ از این کتاب به شرح زیر است:<sup>۱</sup>  
حدیث به رقم ۱ تا ۱۴ و ۱۶ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۶ و ۲۹ و ۳۳ و ۴۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۴ و ۵۵ و ۶۴ و ۶۷ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۹ و ۸۸ و ۹۶ و ۱۱۲ و ۱۱۴.

#### ۶-۲- کتاب التفسیر، تألیف جابر بن یزید الجعفی

نجاشی در مورد این کتاب می‌گوید: «له کتب منها: التفسیر أخبرنا أحمد بن محمد بن هارون قال: حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد قال: حدثنا محمد بن أحمد بن خاقان النهدي قال: حدثنا محمد بن علي أبو سمينة الصيرفي قال: حدثنا الربيع بن زكريا الوراق عن عبد الله بن محمد عن جابر به.»

طریق نجاشی به این کتاب هم مثل طریق کتاب قبلی از طریق ابن عقده کوفی است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۲۹). ولی طریق شیخ طوسی به واسطه مشایخ ثلاثه او، مفید و غضائری

۱. رقم احادیث طبق چاپ دارالحدیث است.

و احمد بن عبدون (نوری، ۱۴۲۹ق: ۱۹/ ۷۵) از هارون بن موسی تلعبیری است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۱۶)

احادیث ماخوذ از این کتاب به شرح زیر است:  
رقم ۱۵ و ۱۷ و ۲۲ و ۲۷ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۴۲ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۱ و ۶۵ و ۸۱ و ۸۷ و ۹۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹.

### ۳-۶- کتاب النوادر، تألیف جابر بن یزید الجعفی

نجاشی در مورد این کتاب می‌گوید: «وله کتاب النوادر أخبرنا أحمد بن محمد الجندی قال: حدثنا محمد بن همام قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مالك قال: حدثنا القاسم بن الربيع الصحاف قال: حدثنا محمد بن سنان عن عمار بن مروان عن المنخل بن جميل عن جابر به.»  
طریق نجاشی به این کتاب هم از طریق ابوعلی ابن همام اسکافی از مشایخ بزرگ شیعه در بغداد به طریق استادش ابوالحسن ابن جندی اجازه دارد. شیخ طوسی اسمی از این کتاب در ترجمه جابر جعفی نمی‌برد.

موضوع احادیث این کتاب، صفات المؤمن و آداب و احکام است. احادیث مأخوذ به ارقام زیر است:

رقم ۱۸ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۱ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۳ و ۵۶ و ۵۷ و ۶۰ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۶ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۸۰ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۱۱۳.

### ۴-۶- کتاب ذریح بن محمد محاربی

نجاشی در مورد این کتاب می‌گوید: «له کتاب یرویه عدة من أصحابنا» (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۶۳). طریق نجاشی به کتاب از طریق حسین بن عبیدالله غضائری است.

شیخ طوسی از کتاب ایشان تعبیر به «اصل» می‌کند. طریق ایشان از ابن ابی الجید قمی است، صفار قمی هم در طریق است. می‌توان گفت که کتاب ذریح محاربی از منابع صفار هم بوده و بنابراین بعضی از احادیث ذریح هم در کتاب بصائر الدرجات منعکس شده است (برای نمونه ن.ک: صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۱ و ص ۱۰۴ ح ۴ و ۲، ص ۱۰۶ و ص ۳۰۹ و ص ۳۱۰ و ص ۳۵۲ و ص ۳۹۵).

احادیث مأخوذ از این کتاب پنج حدیث به ارقام ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ است.

#### ۶-۵- کتاب عبدالله بن طلحة النهدي

نجاشی در مورد این کتاب می‌گوید: «له کتاب یرویه عنه علی بن اسماعیل المیثمی أخبرنا القاضی أبو عبد الله الجعفی قال: حدثنا أحمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا محمد بن مفضل بن إبراهيم قال: حدثنا علی بن اسماعیل عنه به». طریق نجاشی به کتاب از طریق ابن عقده کوفی است. احادیث مأخوذ از این کتاب سیزده حدیث به ارقام ۹۳ تا ۱۰۵ است. بقیه احادیث مذکور در کتاب که ۱۲ حدیث می‌باشد و منبع آنها یافت نشد.

#### ۷- اسناد موازی در منابع حدیثی

روایات جعفر حصرمی دو نوع است: یا مختص کتاب جعفر حصرمی است، یا مشترک است و در منابع حدیثی دیگر یافت می‌شود. این بحث مقدمه برای اعتبارسنجی اسناد است و آنجایی که سند به هر دلیلی ضعیف باشد، با استفاده از منابع دیگر می‌توان حدیث را تصحیح کرد.



### نمودار احادیث مشترک

ردیف	رقم کتاب جعفر	موضوع	مصدر	حدیث در مصدر	راوی مباشر	مروری عنه
۱	ح ۱	امامت	قرب الإسناد ص ۳۵۱	من سره أن لا يكون بينه وبين الله حجاب حتى ينظر إلى الله و ينظر الله إليه فليستول آل محمد و يبرأ من عدوهم...الحدیث	ابی بزنتی	امام باقر
۲	ح ۲	فضائل	المناقب ج ۳ ص ۲۰۵	من أحب عليا فقد أحبني و من أبغض عليا فقد أبغضني. (فقط این تکه نقل شده. روایت کتاب جعفر ادامه دارد)	ابن عباس	رسول اکرم
۳	ح ۳	امامت	المحاسن ج ۱ ص ۸۹	التاركون ولاية علي المنكرون لفضله و المظاهرون أعداءه خارجون عن الإسلام من مات منهم علي ذلك	ابسوحمزه ثمالی	رسول اکرم
۴	ح ۴	امامت	بصائر الدرجات ج ۱ ص ۷۵	ولايتنا ولاية الله التي لم يبعث نبيا قط إلا بها	جابر جعفی	امام باقر
۵	ح ۵	امامت	تفسير فرات كوفي ص ۴۶۸	أن يكون من شيعتنا ما أصابه في الدنيا و لو لم يقدر على شيء يأكله إلا الحشيش (در تفسير فرات زیاده هم دارد)	جابر جعفی	امام باقر
۶	ح ۶	امامت	قرب الإسناد ص ۳۵۰	من تابعنا و لم يخالفنا، و من إذا خفنا خاف، و إذا أمنا آمن، فأولئك شيعتنا. (در تفسير عياشي ج ۲ ص ۱۱۷ هم روایت آمده ولی لفظ فأولئك شيعتنا را ندارد)	در قرب ندارد ولی در تفسیر احمد بن محمد است	امام باقر امام رضا
۷	ح ۷	امامت	بصائر الدرجات ج ۲ ص ۲۲	إن حديثنا صعب مستصعب لا يؤمن به إلا نبي مرسل أو ملك مقرب أو عبد امتحن الله قلبه للإيمان فما عرفت قلوبكم فخذوه و ما أنكرت قلوبكم فردوه إلينا.	ابسوحمزه ثمالی	امام باقر (با الفاظ مختلف)
۸	ح ۸	امامت	قرب الإسناد ص ۳۵۰	ما أحد أكذب على الله و علي رسوله صلى الله عليه و آله ممن كذبنا أهل البيت أو كذب علينا، لأنه إذا كذبنا أو كذب علينا فقد كذب الله و رسوله	ابسی نصر اليزنتی	امام رضا
۹	ح ۱۶	امامت	همان	و الله لا تذهب الدنيا حتى يبعث الله منا رجلا أهل البيت يعمل بكتاب الله، و لا يرى منكرا إلا أنكره.	بدون راوی	امام باقر
۱۰	ح ۱۷	امامت	کافی ج ۲ ص ۱۹۵	تفسير آیه ۲۸ سوره حدید: إماما تأمنون به. فقط این تکه از روایت نقل شده است	ابی الجارود	امام باقر
۱۱	ح ۱۸	آداب	المؤمن ص ۳۹	المؤمن أخو المؤمن لأبيه و أمه فإذا أصاب روحا من تلك الأرواح في بلدة من البلدان شيء حزنه هذه الأرواح لأنها منها	جابر	امام باقر



١٢	ح ٣١	آداب	كافي ج ٢ ص ١٢٥	إن المتحابين في الله يوم القيامة على منابر من نور قد أضاء نور وجوههم ونور أجسادهم ونور منابرهم كل شيء حتى يعرفوا به فيقال هؤلاء المتحابون في الله.	ابى بصير	امام صادق
١٣	ح ٣٥	آداب	كافي ج ٢ ص ١٥١	الرحم معلقة بالعرش تقول اللهم صل من وصلني واقطع من قطعني وهي رحم آل محمد وهو قول الله ﷻ (الذين يصلون ما أمر الله به أن يوصل) و رحم كل ذي رحم.	همان	همان
١٤	ح ٣٦	امامت	بصائر الدرجات ج ١ ص ٢٠٣	إن القرآن فيه محكم ومتشابه، فأما المحكم فنؤمن به ونعمل به و ندين به، و أما المتشابه فنؤمن به و لا نعمل به	وهب بن حفص	امام صادق
١٥	ح ٣٧	آداب	المحاسن ج ١ ص ٢٥٠	سلوا ربكم العفو والعافية فإنكم لستم من رجال البلاء فإنه من كان قبلكم من بنى إسرائيل شقوا بالمناشير على أن يعطوا الكفر فلم يعطوه.	ابى بصير	همان
١٦	ح ٤٤	حقيقت نفس	أمالي صدوق ص ١٤٥	إن الأرواح جنود مجنونة، فما تعارفت منها اتلفت في الأرض، و ما تباكر عند الله اختلف في الأرض. (امالي زياده دارد).	معاويه بن عمار	همان
١٧	ح ٤٨	محاسبه (آداب)	كافي ج ٢ ص ٤٥٥	إن النهار إذا جاء قال: يا ابن آدم! اعمل في يومك هذا خيرا أشهد لك عند ربك يوم القيامة... الحديث.	هشام بن سالم	همان
١٨	ح ٦٠	آداب	كافي ج ٢ ص ٦٥٢	انظر قلبك، فإذا أنكرو صاحبك، فإن أحدكما قد أحدث.	حماد بن عثمان	همان
١٩	ح ٦٦	آداب	كافي ج ٢ ص ٢٩٤	ما من عبد يسر شرا إلا لم تذهب الأيام حتى يظهر له شرا.	جابر	همان
٢٠	ح ٦٧	امامت	قرب الإسناد ص ٣٥٠	إنكم أهل بيت رحمة اختصكم الله بذلك، قال: نحن كذلك والحمد لله لم ندخل أحدا في ضلالة، و لم نخرج أحدا من باب هدى، نعوذ بالله أن نضل أحد.	جابر	همان
٢١	ح ٦٨	آداب	كافي ج ٢ ص ١٠٩	ثلاث لا يزيد الله بهن المرء المسلم إلا عزا الصفيح عمن ظلمه و إعطاء من حرمه و الصلوة لمن قطعه.	جابر	همان
٢٢	ح ٧٩	امامت	اختصاص ص ٢٦٨	لا يستكمل عبد الإيمان حتى يعرف أنه يجرى لأخرنا ما يجرى لأولنا و هم في الطاعة و الحجية و الحلال و الحرام سواء و لمحمد و أمير المؤمنين ع فضلها.	احمد بن عمر حلي	امام باقر
٢٣	ح ٨٥	صفات المؤمن	ثواب الأعمال ص ١٣٨	ما من مسلم اقرض مسلما قرضا يريد به وجه الله إلا احتسب له أجرها بحساب الصدقة حتى يرجع إليه	فضيل بن يسار	امام صادق

۲۴	ح ۸۶	آداب	مشکاة الأنوار ص ۲۵۹	إن لله ديكا رجلاه في الأرض ورأسه في السماء تحت العرش و جناح له في الشرق و جناح له في الغرب يقول سبحانه ربى القدوس فإذا صاح أجابته الديوك فإذا سمعتم أصواتها فليقل أحدكم سبحان ربى الملك القدوس	محمد بن ابى عمير	امام صادق
۲۵	ح ۹۳	آداب	معانى الأخيار ص ۲۴۱	لا يدخل الجنة من فى قلبه مثقال حبة من خردل من كبر و لا يدخل النار من فى قلبه مثقال حبة من خردل من إيمان قال فاسترجعت فقال ما لك تسترجع فقلت لما أسمع منك فقال ليس حيث تذهب إنما أعنى الجحود إنما هو الجحود	داود بن فرقد	همان
۲۶	ح ۹۱	آداب	أمالى مفيد ص ۱۷۳	ثلاثة لا يقبل الله لهم صلاة جبار كفسار، و جنب نام على غير طهارة، و متضمنخ بخلق.	ابن ابى يعفور	همان
۲۷	ح ۹۵	آداب	كافى ج ۵ ص ۵۰۷	ثلاثة لا تقبل لهم صلاة عبد أبى من موالیه حتى يضع يده فى أيديهم و امرأة باتت و زوجها عليها ساخط و رجل أم قوما و هم له كارهون	حسن بن منذر	همان
۲۸	ح ۱۰۱	آداب	المحاسن ج ۱ ص ۲۹۴	ما ضاع من مال فى بر و لا يحر إلا بمنع الزكاة، فحصنوا أموالكم بالزكاة، و داووا مرضاكم بالصدقة، و ادفعوا أبواب البلاء بالاستغفار	اسحاق بن عمّار	همان
۲۹	ح ۱۰۲	آداب	أمالى صدوق ص ۴۸۴	إن الصاعقة لا تصيب ذاكرا لله عز و جل. (در كتاب جعفر زياده دارد)	عبدالله بن حماد	همان
۳۰	ح ۱۰۶	فضائل	بشارة المصطفى ص ۱۴۴	نحن عنده نظرتم حيث نظر الله و اخترتم من اختار الله أخذ الناس يميننا و شمالا و قصدتم محمدا ص أما إنكم لعلى المحجة البيضاء فأعينونا على ذلك بوع ثم قال حيث أردنا أن نخرج و ما على أحدكم إذا عرفه الله هذا الأمر أن لا يعرفه الناس إنه من عمل للناس كان ثوابه على الناس و من عمل لله كان ثوابه على الله.	يزيد بن خليفه	همان
۳۱	ح ۱۰۹	امامت	كافى ج ۱ ص ۱۸۶	نحن قوم فرض الله طاعتنا و أنتم تأتمون بمن لا يعذر الناس بجهالتهم.	بشير الخطار	همان
۳۲	ح ۱۱۰	امامت - آداب	مصداقه الإخوان ص ۳۴	يا خيشمة! أبلغ موالينا السلام، و أوصهم بتقوى الله، و أوصهم أن يعود غنبيهم على فقيرهم، و قويهم على ضعيفهم، و أن يشهد حيهم جنازة ميتهم، و أن يتلاقوا فى بيوتهم؛ فإن لقاء بعضهم بعضا فى بيوتهم حياة لأمرنا، رحم الله عبدا أحيا أمرنا...	خيشمة جعفى	همان

## ۸- ارزیابی طرق به کتاب جعفر بن محمد بن شریح الحضرمی

این بحث مبتنی بر قبول مبنای لزوم ارزیابی طرق شیخ طوسی به کتب است. از قائلین به این مبنا، صاحب معالم و صاحب مدارک و بحر العلوم است. در مقابل کسانی مثل تفرشی و فاضل سبزواری ارزیابی طرق را ضروری نمی‌دانند. (کلباسی، ۱۴۱۹ق: ۳۹۷/۲)

### ۸-۱- طریق شیخ طوسی

شیخ طوسی در فهرست طریق خودش را به کتاب چنین بیان می‌کند:

«رویناه بالإسناد الأول، عن ابن همام، عن حمید، عن أحمد بن زید بن جعفر الأزدي البزاز، عن محمد بن أمية بن القاسم الحضرمي، عن جعفر بن محمد بن شريح (عن رجاله)». مقصود از الإسناد، «جماعه من اصحابنا عن هارون بن موسى التلعكبري» است. مقصود از جماعة من اصحابنا، شیخ مفید و حسین بن عییدالله غضائری و احمد بن عبدون است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۰۹ و نوری طبرسی، ۱۴۲۹ق: ۱۹/۷۵).

اردبیلی طریق شیخ طوسی به کتاب جعفر بن محمد بن شریح را مجهول دانسته است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۲/۴۸۲). آیت الله خوئی و محدث نوری طریق شیخ طوسی را ضعیف می‌داند. (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۵/۸۲؛ نوری طبرسی، ۱۴۲۹ق: ۲۴/۷۸)

عمده علت اینکه باعث مجهول شدن طریق شده است، مجهول بودن احمد بن زید بن جعفر الأزدي البزاز و محمد بن أمية است. از طریق شیخ طوسی فهمیده می‌شود که ایشان کتاب را از تلعبری اخذ کرده است و تلعبری هم از میراث حمید بن زیاد کوفی گرفته است. بنابراین می‌توان گفت که کتاب در فهرست حمید بن زیاد معرفی شده بود و منبع شیخ طوسی برای کتاب جعفر حضرمی، فهرست حمید بن زیاد است. ما طریق شیخ را به دو مسلک رجالی و فهرستی ارزیابی می‌کنیم:

### ۸-۱-۱- مسلک رجالی:

راویان طریق شیخ طوسی به ترتیب زیر می‌باشند:

جماعه من اصحابنا، همه از ثقات و وجوه اصحاب می‌باشد (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۹۹ و

۶۹ و ۸۷).

هارون بن موسی تلعکبری هم از وجوه و ثقات اصحاب است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۴۳۹).  
محمد بن علی بن همّام بغدادی از مشایخ اجازه تلعکبری و از بزرگان علمای شیعه، متوفی  
۳۲۶ق است (البصری، ۱۴۲۲ق: ۳۲۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۶ق: ۵۳۵/۳۰).  
حمید بن زیاد کوفی واقفی مذهب و صاحب فهرست معروف و از ثقات است (نجاشی،  
۱۳۶۵ش: ۱۳۲).

احمد بن زید بن جعفر الأزدی شخصی مجهول است و اسمی از ایشان در منابع رجالی  
نیست. اما محدّث نوری قائل به وثاقت ایشان است و علّتش هم این است که از مشایخ اجازه  
است و مبنای ایشان وثاقت مشایخ اجازه است (نوری، ۱۴۲۹ق: ۷۹/۱۹).  
محمد بن أمیّه، محدّث نوری می‌گوید أمیّه تصحیف شده مثنی است. محمد بن مثنی بن  
قاسم حضرمی یکی از صاحب اصول شانزده‌گانه است که به دست ما رسیده است (نوری  
طبرسی، ۱۴۲۹ق: ۹/۱۹).

نجاشی در مورد محمد بن مثنی تعبیر ثقه را به کار برده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۷۱).  
نتیجه: مجهولیت احمد بن زید بن جعفر بنا بر مبنای عدم توثیق مضر به وثاقت نیست و  
می‌توان طریق را معتبر دانست. اما بنا بر مبنای لزوم وثاقت تمام راویان طرق به کتاب، طریق  
شیخ طوسی مشتمل بر افراد مجهول بوده و در نتیجه ضعیف خواهد شد.

#### ۸-۱-۲- مسلک تبیین فهرستی:

در بررسی فهرستی، اعتبارسنجی منابع از جهت حجّیت کتاب می‌شود. پرسش‌های اصلی  
در این بخش، این است که، آیا کتب مذکور در فهرس متقدّم حجّیت دارد؟ اختلاف تعبیر  
نجاشی و شیخ طوسی و دیگر ارباب فن به خاطر چه ملاکی است؟ در مرحله اول طریق شیخ  
طوسی و در مرحله بعد طریق نجاشی را از نگاه فهرستی تحلیل می‌کنیم.

همان طوری که از طریق شیخ طوسی مشخص می‌شود، مصدر اصلی ایشان، فهرست  
حمید بن زیاد است. شیخ طوسی فهرست حمید بن زیاد را به واسطه اجازه از شیخ مفید و  
حسین بن عبیدالله غضائری و احمد بن عبدون از تلعکبری نقل می‌کند. شیخ طوسی به همین  
طریق به کتاب اعتماد کرده و انتساب کتاب را به جعفر حضرمی قطعی می‌داند. برای همین



عنوان مستقل و طریق برای جعفر حضرّمی در کتاب الفهرست ذکر می‌کند. اما با این حال، برخی محققین مطلقاً حکم به ضعف طریق کرده و کتاب را از اعتبار ساقط دانسته‌اند (داوری، ۱۴۱۶ق: ۳۳۷).

## ۸-۲- طریق نجّاشی

### ۸-۲-۱- مسلک فهرستی:

پرسش اصلی در این بحث این است که، چرا نجّاشی، مدخلی برای جعفر حضرّمی باز نکرده است؟ با اینکه فهرست حمید بن زیاد به نسخه تلعبیری در اختیار نجّاشی بوده است. نجّاشی برخلاف شیخ طوسی، تلعبیری را ملاقات کرده و با پسر تلعبیری رفیق بوده و خانه او می‌رفته است (نجّاشی، ۱۳۶۵ش: ۴۳۹). در پاسخ به سؤال، محقق شوشتری احتمال می‌دهد که کتاب جعفر حضرّمی به دست نجّاشی نرسیده است (شوشتری، ۱۴۱۰ق: ۶۷۵/۲). اما به نظر می‌رسد، علّت چیز دیگری باشد و آن این است که نجّاشی انتساب کتاب به جعفر بن محمد بن شریح را قبول نکرده است.

با جستجو در کتاب نجّاشی به موردی برمی‌خوریم که اسم جعفر بن محمد بن شریح در آنجا ذکر شده است. نجّاشی در ترجمه حمید بن شعیب السّیعی می‌گوید:

«کوفی روی عن ابي عبد الله عليه السلام و روی عن جابر. له كتاب رواه عنه عدة. و أكثر ما يری رواية أبو عبد الله بن جبلة. أخبرنا الحسين بن عبيد الله قال: حدثنا أحمد بن جعفر بن سفیان قال: حدثنا حمید بن زیاد قال: حدثنا الحسن بن محمد بن سماعة قال: حدثنا عبد الله بن جبلة عن حمید بن شعيب بكتابه و له كتاب يرويه جعفر بن محمد بن محمد بن شريح عنه عن جابر». (نجّاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۳۳)

عبارت نجّاشی دلالت بر این دارد که حمید بن شعیب دو کتاب دارد:

(۱) کتاب اول: کتابی است که تألیف خود حمید بن شعیب است. در این کتاب گاهی مستقیم از حضرت امام صادق عليه السلام نقل می‌کند و گاهی با واسطه جابر از آن حضرت نقل می‌کند. این کتاب را راویان مختلفی نقل کرده‌اند، بیشتر روایات این کتاب را عبد الله بن جبلة (از سران واقفیه) نقل کرده است. احتمال دارد به همین علّت که از تراث واقفیه است بعضی این کتاب را

غیرمعتبر می‌دانند. و برخی از محققین با اینکه عبدالله بن جبلة از واقفه است ولی به جهت صحیح بودن طریق نجاشی به کتاب، حکم به اعتبار کتاب می‌کنند. (داوری، ۱۴۱۶ق: ۳۳۷) طریق نجاشی به این کتاب از طریق استادش حسین بن عبیدالله غضائری است و او هم از فهرست حمید بن زیاد کوفی نقل می‌کند.

۲) کتاب دوم: این کتابی است که جعفر بن محمد بن شریح آن را نقل می‌کند. کتابی که مثل تقریر روایات حمید بن شعیب توسط جعفر بن محمد بن شریح است. در طریق نجاشی به این کتاب دو احتمال دارد:

احتمال اول: طریق همان طریق به کتاب اول باشد:

با تحلیل این اجازه نجاشی به کتاب، می‌توان پی به این نکته برد که نجاشی کتاب را تألیف جعفر بن محمد بن شریح نمی‌داند بلکه کتاب را تألیف حمید بن شعیب می‌داند که روایات جابر از حضرت صادق علیه السلام در آن نقل شده است. در حقیقت کتاب حمید بن شعیب را جعفر بن محمد بن شریح استنساخ کرده است. شبیه چاپ‌هایی که امروزه متداول است و از یک کتاب دو چاپ مختلف وجود دارد و بدیهی است که در این مواقع کتاب را به ناشر نسبت نمی‌دهند، در حالی که اساساً مفهوم نسخه ۳ را ندارد.

احتمال دارد چون کتاب به خط جعفر بن محمد بن شریح بوده است، حمید بن زیاد کتاب را تألیف جعفر بن محمد بن شریح پنداشته و در فهرست کتاب را به او نسبت داده است.

جالب اینجاست که، منبع نجاشی مثل شیخ طوسی، فهرست حمید بن زیاد است. پس چرا نجاشی به نتیجه‌ای متفاوت با شیخ طوسی رسیده است؟. در مقام پاسخ، چنین به نظر می‌رسد نجاشی مبنای مختلفی در این زمینه داشته باشد. این کتاب در بغداد موجود بوده و بین اصحاب معروف بوده است. نجاشی با تحقیق و مقابله و دقت‌های نسخه‌شناسانه، متوجه این نکته شده است. اما نجاشی نمی‌توانسته از طریق تلعبکبری اجازه خودش به کتاب را بیان کند، چون اگر از طریق تلعبکبری می‌رفت باید همان مطلب شیخ طوسی را ذکر می‌کرد و کتاب را به جعفر حضر می‌انتساب می‌داد، پس برای اینکه انتساب کتاب به جعفر بن محمد بن شریح را رد کند و به حمید بن شعیب نسبت دهد، از طریق استاد دیگرش حسین بن عبیدالله غضائری نقل کرده است. از تفاوت طریق نجاشی و شیخ طوسی، می‌توان به این مطلب پی برد که گرچه احتمالات

دیگری هم متصور است اما با این قرائن، به احتمال زیاد نجاشی مشکل این انتساب غلط را هارون بن موسی تلعبیری می‌داند نه حمید بن زیاد کوفی.

نکته دیگر که در بحث تحلیل فهرستی بسیار مهم است مقارنه یک گزاره فهرستی با فهارس دیگر است. فهارس قم مثل فهرست ابن الولید و شیخ صدوق و ابن قولویه قمی و ابن بطه هیچکدام این کتاب را نقل نکرده‌اند. در مورد علت نقل نکردن، دو احتمال وجود دارد:

الف) احتمال ۱: نسخه از بغداد به قم نیامده است و فهارس قم اطلاعی از کتاب نداشتن. این احتمال بعید به نظر می‌رسد، چون ابن قولویه از شاگردان تلعبیری و هم طبقه نجاشی و شیخ طوسی است. بسیار بعید به نظر می‌رسد که نجاشی و شیخ طوسی به کتاب دسترسی داشته باشند ولی ابن قولویه با این اوصاف از کتاب معروف در نزد استادش بی اطلاع باشد.

ب) احتمال ۲: فهارس قم، کتاب را به علت اینکه کتاب از تراث واقفیه (به دلیل عبدالله بن جبلة) است، حجت ندانسته و از ذکر در فهارس خودشان خودداری کرده‌اند.

با توجه به برخورد قمی‌ها با تراث‌های افراد فاسد العقیده، مثل اخراج سهل بن زیاد از قم به خاطر فساد عقیدتی (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۸۵، رقم ۴۹۰) و یا اخراج ابوجعفر محمد بن علی بن ابراهیم القرشی از قم توسط احمد اشعری (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۳۲، رقم ۸۹۴)؛ احتمال اخیر صحیح به نظر می‌رسد.

احتمال دوم: نجاشی طریق دیگری ندارد، طریقش همان طریق شیخ طوسی و از تلعبیری است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که نجاشی پس چرا طریقی ذکر نکرده با اینکه این کار خلاف ضوابط فهرستی است و اگر طریق ذکر نکند کتاب، وجاده‌ای می‌شود و از حجیت ساقط می‌شود؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که نجاشی یا باید نظر قطعی خودش را بر عدم انتساب کتاب به جعفر حنفری را با نقل از طریق تلعبیری رد کند، یا نه، اصلاً طریق ذکر نکرده تا جمع بین ضوابط فهرستی و نظر قطعی خودش کرده باشد. با عدم ذکر طریق گرچه مشکل دیگر به نام وجاده‌ای شدن کتاب محل می‌شود، ولی با این حال بنا بر این احتمال، نجاشی اولویت و ترجیح را بر رعایت نظر خودش می‌داند.

نجاشی به این نکته توجه دارد و می‌داند که اگر طریق را ذکر کند باید همان مطلب شیخ

طوسی از تلعبیری را نقل کند و حال آنکه نجّاشی انتساب تلعبیری را قبول ندارد. پس طریق را ذکر نمی‌کند تا به مخاطب بفهماند که نظر من بر ثبوت کتاب برای حمید بن شعیب سبّعی است نه جعفر بن محمد بن شریح حضرمی. طبق این احتمال، چون طریق ندارد، کتاب، وجاده‌ای شده و حجّیت برای ما ندارد.

#### ۸-۲-۲- مسلک رجالی:

بنابر مسلک رجالی دو احتمال وجود دارد:

طبق احتمال اول - طریق نجّاشی به کتاب دوم حمید بن شعیب به تقریر جعفر بن محمد بن شریح حضرمی، همان طریق کتاب اول حمید بن شعیب است - مشایخ اجازه نجّاشی به ترتیب زیر است:

۱- ابو عبدالله حسین بن عبدالله غضائری: از اجلّه اصحاب ما و بزرگان مشایخ شیعه است. نجّاشی در مورد ایشان می‌نویسد: «بزرگ و شیخ این طائفه شیعه است. عالم، فقیه شیعه و بزرگ مشایخ قمی‌ها و داناترین آنهاست» (نجّاشی، ۱۳۶۵ ش: ۳۸۵). بقیه عالمان رجالی ایشان را ثقه دانسته‌اند. (طوسی، ۱۳۷۳ ش: ۴۲۵ و علامه حلّی، ۱۴۰۲ ق: ۵۰)

۲- ابوعلی احمد بن جعفر بن سفیان بزوفری: ایشان پسرعموی حسین بن علی بن سفیان البزوفری ثقه و جلیل‌القدر است. احمد بن جعفر از مشایخ اجازه تلعبیری و شیخ مفید و حسین بن عبدالله غضائری است (نوری طبرسی، ۱۴۲۹ ق: ۱۳۵/۲۵). ایشان از ابوعلی احمد بن ادریس اشعری قمی روایت نقل کرده است و طبق مبنا وثاقت مشایخ اجازه و کثرت روایت از ثقات، می‌توان به وثاقت ایشان قائل شد (همان: ۴۱۰). همچنین مامقانی در مورد ایشان می‌گوید: جلالت شأن ایشان آنقدر است که احتیاجی به توثیق نیست (مامقانی، ۱۴۳۱ ق: ۴۶۵/۱).

صحّت کلام مامقانی مبتنی بر قبول قاعده وثاقت اجلاء و مشاهیر است و بدون قبول این مبنا قبول نظر مامقانی صحیح نیست.

۳- ابوالقاسم حمید بن زیاد کوفی: صاحب فهرست معروف از منابع شیخ طوسی و نجّاشی است. نجّاشی در مورد ایشان می‌گوید: «حمید بن زیاد ثقه و واقفی مذهب و از بزرگان

واقفیه است» (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۳۲). استرآبادی علاوه بر این، شیخوخیت در اجازه به بزرگان مذهب را دلیلی بر اعتماد بر ایشان می‌شمارد (استرآبادی، ۱۴۲۲ق: ۴۱۸).

۴- ابومحمد حسن بن محمد بن سماعه کندی صیرفی: نجاشی در مورد ایشان می‌نویسد: «ایشان از بزرگان واقفیه، کثیر الحدیث، ثقه و در واقفی‌گری خیلی معاند و متعصب بر مذهبش است» (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۴۱). پس تصریح نجاشی بر وثاقت ایشان است اما او از شاگردان عبدالله بن جبلة و بزرگان واقفیه است و قبول وثاقت ایشان متوقف بر مبنایی است که فساد اعتقادی را مضرّ به وثاقت ندانیم.

۵- ابو محمد عبدالله بن جبلة بن حیان ابجر الکنانی: ایشان از بزرگان شیعه بود ولی بعد مبتلا به وقف شد و از سران این مذهب گردید. نجاشی در مورد ایشان لفظ «فقیه ثقه مشهور» را به کار می‌برد. (همان: ۲۱۶)

نتیجه ارزیابی رجالی: همه افراد طریق، از ثقات می‌باشند. بنابراین از نظر رجالی می‌توان به این طریق نجاشی اعتماد کرد. آیت‌الله خوئی در مورد طریق دیگری که به همین کتاب شیخ طوسی ذکر شده است اشکال می‌کند و می‌فرماید طریق مرسل است، چون حسن بن محمد بن سماعه نمی‌تواند بدون واسطه از حمید بن زیاد نقل کند (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۳۰۸/۷). طبق احتمال دوم - نجاشی طریقی ذکر نکرده باشد - سند کتاب مرسل بوده و حجیت ندارد. بنا بر مبنای لزوم بررسی طرق به کتاب.

## ۹- ارزیابی مضمونی روایات

محتوای روایات کتاب جعفر حضرّمی در سه موضوع اصلی است:

۱- امامت و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام؛

۲- آداب و سنن؛

۳- احادیث تفسیری.

تقریباً اغلب روایات منقوله در کتاب جعفر حضرّمی، دارای مضامین بالایی هستند. محقق مامقانی درباره احادیث حمید بن شعیب از جابر که عمده روایات کتاب هم به این طریق است (۸۷ روایت)، می‌فرماید: «اخبار جابر در مورد امامت و اسرار ائمه علیهم‌السلام است و این مسائل

نزد اقدمین مورد انکار واقع می‌شد و حال آنکه الآن از بدیهیات است. بنابراین احادیث حمید بن شعیب حسن است مطلقاً». (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ۳۳۵/۲۴)

از نظر مضمون مخالفتی با نصوص دیگر، همچنین آیات قرآن، تاریخ و سیره قطعی معصومین علیهم‌السلام و قواعد عقلی و عقلائیّه که از ملاکات اعتبار مضمونی شمرده شده است در این احادیث مشاهده نمی‌شود (الهاشمی، ۱۴۳۰ق: ۱۹۳)؛ در نتیجه اعتبار مضمونی ثابت می‌شود.

### جمع بندی

از مطالب گذشته واضح گردید که مؤلف اصلی کتاب که روایات جابر را اولین بار مکتوب کرده است، حمید بن شعیب سبیبی است و جعفر بن محمد بن شریح حضرمی همین احادیث را استنساخ کرده و به عبارتی تقریر کرده است. این همان مطلبی بود که از کندوکاو عبارت نجاشی به دست آمد و منشأ خطا هم تلعبیری است و ایشان اولین کسی است که کتاب را به جعفر بن محمد بن شریح انتساب داده است و این خطا از تلعبیری به شیخ طوسی سرایت کرده است. منشأ خطا هم، ظاهراً خط جعفر بن محمد بن شریح بوده است. احتمال دارد نجاشی با استفاده از مقابله و مقارنه نسخه و با دقت‌های کتابشناسانه خود متوجه این خطا شده و با زیرکی و کار عالمانه، کتاب را بدون ذکر طریق به حمید بن شعیب انتساب داده است؛ تا هم ضوابط علم حدیث را رعایت کرده باشد، و هم نظر خودش را ارائه دهد.

کتاب در کوفه و بغداد موجود بوده و در اختیار نجاشی و طوسی بوده است. ولی با این حال این کتاب به فهرس قم (مثل فهرست ابن ولید و شیخ صدوق و ابن بطه و غیره) راه پیدا نکرده است. در مورد علت این مطلب هم دو احتمال وجود دارد: اول اینکه نسخه به قم نیامده باشد و فقط در محیط عراق مطرح بوده باشد؛ که این احتمال بسیار بعید به نظر می‌رسد. احتمال دوم اینکه نسخه به قم آمده است ولی با توجه به اینکه کتاب از تراش واقفیه است، توسط بزرگان قم تحریم شده و از فهرس حذف شده است. این احتمال که یک نوع پالایشی اتفاق افتاده باشد صحیح‌تر به نظر می‌رسد. پس نسخه در نزد قمی‌ها ضعیف بوده و حجیت نداشته است.

نظر نهایی نگارنده، این است که با توجه به طرق فهرستی و اسناد روایات و مضامین بسیار بالای موجود در کتاب درباره امامت و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام و اعتنای اصحاب امامیه در بغداد و کوفه به این کتاب و سایر شواهد و قرائن، حجیت و اعتبار کتاب ثابت است.

## منابع

١. ابن غضائرى، احمد بن حسين (١٤٢٢ق). الرجال. قم: مؤسسه علمى فرهنگى دار الحديث، چاپ اول.
٢. اهوازى، حسين بن سعيد (١٤٠٢ق). الزهد. قم: مؤسسه الامام المهدي ﷺ، چاپ دوم.
٣. اردبيلى، محمد بن على (١٤٠٣ق). جامع الرواة و إزاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد. بيروت: دار الأضواء، چاپ اول.
٤. ابن شهر آشوب، محمد بن على (١٣٨٠ق). معالم العلماء فى فهرست كتب الشيعة و أسماء المصنفين منهم قديماً و حديثاً (تتمة كتاب الفهرست للشيخ أبى جعفر الطوسي). نجف اشرف: المطبعة الحيدريّة، چاپ اول.
٥. \_\_\_\_\_ (١٣٧٩ق). مناقب آل أبى طالب ﷺ. قم، چاپ اول.
٦. استرآبادى، محمد بن على (١٤٢٢ق). منهج المقال فى تحقيق أحوال الرجال. قم: مؤسسة آل البيت ﷺ لإحياء التراث، چاپ اول.
٧. البرقى، احمد بن محمد (١٣٤٢ش). الرجال. تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
٨. البرقى، احمد بن محمد بن خالد (١٣٧١ق). المحاسن. قم، چاپ دوم.
٩. بصرى، احمد بن عبد الرضا (١٤٢٢ق). فائق المقال فى الحديث و الرجال. قم: مؤسسه علمى فرهنگى دارالحديث، چاپ اول.
١٠. تفرشى، مصطفى بن حسين (١٣٧٧ش). نقد الرجال. قم: مؤسسة آل البيت ﷺ لإحياء التراث، چاپ اول.
١١. حسينى حلى، حسين بن كمال الدين ابرز (١٤٢٨ق). زبدة الأقوال فى خلاصة الرجال. قم: مؤسسه علمى فرهنگى دارالحديث، چاپ اول.
١٢. حر عاملى، محمد بن حسن (١٤١٦ق). تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة. قم: مؤسسة آل البيت ﷺ لإحياء التراث، چاپ سوم.
١٣. حضرى، جعفر بن محمد (١٤٢٣ق). الأصول الستة عشر. تحقيق: محمودى،

ضياء الدين؛ نعمت الله جليلي و مهدي غلامعلي، قم: مؤسسه علمي فرهنگي دارالحدیث، چاپ اول.

۱۴. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد. قم، چاپ اول.

۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۵ق). إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات. بیروت، چاپ اول.

۱۶. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة. بی جا، بی نا، چاپ پنجم.

۱۷. شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ دوم.

۱۸. الصدوق، ابن بابويه محمد بن علی (۱۳۷۶ش). الأمالی. تهران: نشر کتابچی، چاپ ششم.

۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دارالتشريف، چاپ دوم.

۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: نشر جامعه مدرسین، چاپ اول.

۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۲ق). مصادقة الإخوان. تحقیق: سید علی خراسانی، نشر مكتبة الإمام صاحب الزمان علیه السلام، چاپ اول.

۲۲. صفار قمی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام. تحقیق: محسن کوچه باغی تبریزی، قم، چاپ دوم.

۲۳. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول. قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، چاپ اول.

۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳ش). رجال الطوسي. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ سوم.

۲۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ق). العدة فی اصول الفقه. تحقیق: الشیخ محمدرضا الأنصاری القمی، قم: نشر علاقه بندیان، چاپ اول.



٢٦. طبرسى، على بن حسن (١٣٨٥ق). مشكاة الأنوار فى غرر الأخبار. نجف: نشر مكتبه الحيدريّة، چاپ دوم.
٢٧. طبرى آملی، عمادالدین أبى جعفر محمد بن أبى القاسم (١٣٨٣ق). بشارة المصطفى لشيعه المرتضى. نجف: نشر مكتبة الحيدريّة، چاپ دوم.
٢٨. علامه حلّى، حسن بن يوسف (١٤٠٢ق). رجال العلامة الحلّي. قم: الشريف الرضى، چاپ دوم.
٢٩. عياشى، محمد بن مسعود (١٣٨٠ق). تفسير العياشى. تحقيق: سيد هاشم رسولی محلاتى، تهران: نشر المطبعه العلميه، چاپ اول.
٣٠. قهپايى، عنايت الله (١٣٦٤ش). مجمع الرجال. قم: اسماعيليان، چاپ دوم.
٣١. كلباسى، ابوالهدى (١٤١٩ق). سماء المقال فى علم الرجال. قم: مؤسسه ولى العصر عليه السلام للدراسات الإسلاميه، چاپ اول.
٣٢. كلينى، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق). الكافي. تحقيق: الغفارى، تهران: نشر الاسلاميه، چاپ چهارم.
٣٣. كلباسى، محمد بن محمد ابراهيم (١٤٢٢ق). الرسائل الرجاليه. قم: مؤسسه علمى فرهنگى دار الحديث، چاپ اول.
٣٤. كوفى، فرات بن ابراهيم (١٤١٠ق). تفسير فرات الكوفي. تحقيق: كاظم محمد، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فى وزارة الإرشاد الإسلامى، چاپ اول.
٣٥. مرتضى، بسام (١٤٢٦ق). زبدة المقال من معجم الرجال. بيروت: دارالمحجّة البيضاء، چاپ اول.
٣٦. مجلسى، محمدباقر بن محمد تقى (١٤٠٣ق). بحار الأنوار. بيروت، چاپ دوم.
٣٧. مامقانى، عبدالله (١٤٣١ق). تنقيح المقال فى علم الرجال (ط الحديثه). قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول.
٣٨. مهريزى، مهدى (١٣٨٠ش). ميراث حديث شيعه. قم: مؤسسه علمى فرهنگى دار الحديث، سازمان چاپ و نشر، چاپ اول.

۳۹. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳ق). الإختصاص. قم: جماعة المدرسين فى الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ اول.
۴۰. مظاهری، حسین (۱۴۲۸ق). الثقافات الأخیار من رواة الأخبار. قم: مؤسسه الزهراء ﷺ الثقافیة الدرستیة، چاپ اول.
۴۱. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. قم: جماعة المدرسين فى الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ ششم.
۴۲. نمازی شاهرودى، علی (۱۴۱۴ق). مستدرکات علم رجال الحدیث. تهران: فرزند مؤلف، چاپ اول.
۴۳. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۲۹ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسة آل البيت ﷺ لإحیاء التراث، چاپ اول.
۴۴. الهاشمی، سید علی حسن مطر (۱۴۳۰ق). إثبات صدور الحدیث بین منهجی نقد السند و نقد المتن. قم: نشر ناظرین، الطبعة الأولى.
- مقاله:**
۴۵. جدیدی نژاد، محمدرضا. «بازخوانی نسبت برخی کتابها به بعضی از مؤلفان در رجال النجاشی و الفهرست شیخ طوسی». آینه پژوهش، دوره ۲۲، شماره ۱۲۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰: ۱۸-۲۳.
۴۶. سرخه‌ای، احسان. «جستاری در مفهوم نسخه؛ سبکی در گردآوری و گزارش احادیث»، مجله علوم حدیث، دوره ۱۸، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۹۲.